

بسم الله الرحمن الرحيم

در طول یازده جلسه گذشته بحث شد که آیا نیازی به علم رجال هست یا خیر؟ ادله مثبتین ذکر شد و ادله منکرین هم تا حدی بررسی گردید. از جمله ادعای قطعی الصدور بودن روایات کتب اربعه بیان گردید.

این جلسه به بررسی دلیل دوم قائلین عدم نیاز به علم رجال می پردازیم:

دلیل دوم: روایاتی که در دست ما است از دو حالت خارج نیست :

۱- روایاتی که صرف نظر از سند آنها، مشهور علما به آنها عمل و استناد کرده اند.

۲- روایاتی که مشهور اصحاب امامیه به آنها عمل نکرده بلکه اعراض کرده اند .

لذا هر روایتی که مشهور به آن عمل کرده باشد روایتی است معتبر، صحیح و برخوردار از شرایط استناد، و هر روایتی که مشهور از آن اعراض کرده باشد با هر سند و مدرکی، غیر معتبر و غیر قابل استناد است.

این استدلال از کلمات محقق حلی در کتاب معتبر استفاده می شود:

ایشان ابتدا روایات را دو قسم می کند و می فرماید روایات یا متواتر است و یا خبر واحد. اگر متواتر باشد چون مفید علم است باید به آن عمل شود اما اگر خبر واحد بود مفید ظن است و این خبر واحد یا مرسل است یا مسند ...

ثمَّ السَّنَةُ اما متواترة، و هي ما حصل معها العلم القطعي باستحالة التواطؤ و خبر واحد: و هو ما لم يبلغ ذلك، مسندا كان و هو ما اتصل المخبرون به الى المخبر، أو مرسلا، و هو ما لم يتصل سنده. فالمتواتر حجة لإفادته اليقين، و كذا ما أجمع على العمل به، و ما أجمع الأصحاب على اطراحه فلا حجة فيه.^۱

در ادامه نگاه علما به خبر واحد را متذکر می شود و می فرماید:

علما در نگاه به خبر واحد دو قسمند: یک دسته افراط کرده اند و عده ای تفریط کرده اند. عده ای هر خبر واحدی را حجت دانسته اند و تعدادی هر خبر واحدی را اساسا غیر حجت می دانند:

۱. المعتمد في شرح المختصر؛ ج ۱، ص ۲۹

و التوسط أصوب، فما قبله الأصحاب أو دلت القرائن على صحته عمل به، و ما أعرض الأصحاب عنه أو شذ، يجب اطراحه.^۲

با وجود این معیار نیازی نیست ما در مقام استناد به یک روایت، سند و یا توثیق راوی را بررسی کنیم، پس نیازی به علم رجال نیست. (البته ایشان تصریح به عدم نیاز نکرده لکن ماحصل فرمایش ایشان چنین است که عرض کردیم).

پاسخ محقق خویی در معجم الرجال:

اولاً در بسیاری از مسائل مختلف فقهی یک فتوای مشهور که ثابت شود مستندش فلان روایت خاصی است وجود ندارد بلکه در یک مسئله فتاوی متعدد داریم که هیچ کدام مشهور نیست.

ثانیاً در بعضی مسائل فقهی یک فتوایی مشهور است و مستند آن روایتی از روایات است لکن در مقابل فتوای دیگر اشهر است که مستند آن روایت دیگری است.

ثالثاً بسیاری از مسائل فقهی مسائل مستحدثه است که نه تنها فتوای خاصی درباره اش شهرت ندارد بلکه اساساً فتوایی از علما در آن مساله صادر نشده تا مستندش بررسی شود، درعین حال که در همان مساله فتوا بر اساس برخی روایات وجود دارد.

لذا آنچه شما به عنوان ملاک در عمل به روایات و در راستای عدم نیاز به علم رجال مطرح کردید پایه و اساس درستی ندارد.^۳

۲. المعتمد فی شرح المختصر؛ ج ۱، ص ۲۹

۳. معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرجال، ج ۱، ص ۲۱